

تنوع در بیان مطالب

نظم و تالیف آیات قرآن کریم و روشی که قرآن در بیان مطالب خود به کار برده است، با تمام کتابهایی که به دست بشر تألیف و تصنیف شده، فرق اساسی و جوهری دارد.

در کتابهایی که به دست بشر تألیف شده است، معمولاً یک یا چند مطلب، موضوع قرار داده می‌شود و با فصل‌بندی خاصی بحث درباره آن موضوع دنبال می‌شود و مجموع مطالبی که مربوط به یک مسأله است یکجا و با نظم معینی آورده می‌شود و کتاب با یک مقدمه و چند فصل یا باب یا بخش قوام پیدا می‌کند و پایان می‌یابد.

قرآن کریم در نظم و تالیف و بیان مطالب خود هرگز از چنین روشی پیروی نکرده است، بلکه مطالب مختلف را از قبیل اعتقادات و اجتماعیات و عبادات و سیاسیات و اقتصادیات و مانند آنها به صورت متنوع و پراکنده و در مقاطع مختلف بیان کرده و در واقع آیات قرآنی مانند سفره گسترده‌ای است که در آن انواع غذاها را می‌توان دید.

از یکسو قرآن مطالب بسیار متنوع و گوناگونی را عنوان می‌کند و از سوی دیگر آن مطالب را یکجا جمع نمی‌کند بلکه به طور پراکنده و متناسب با هدف خاصی که درآیه دنبال می‌کند، می‌آورد و حتی داستانهایی که از امم گذشته و انبیاء سلف نقل کرده نوعاً در لابلای سوره‌های مختلف پراکنده است و هر قسمتی از داستان که با هدف خاص

آیه‌ای تناسب داشته باشد، آورده می‌شود. گاهی حتی یک قسمت از یک داستان در چندین مورد تکرار می‌شود.

در روش قرآن آنچه مهم است تناسب مطلب با هدف تربیتی خاصی است که آیه برای آن آمده است، تکرار و تقطیع یک مطلب یا داستان نیز برای همین موضوع است. قرآن کریم خود به این روش یعنی تنوع و پراکندگی مطلب، در بعضی از آیات اشاره کرده است.

در مورد تنوع مطلب و گستردگی آن، آیات زیر قابل دقت است:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

و کتاب را بر تو نازل کردیم درحالی که بیان کننده همه چیز است. (سوره نحل، ۸۹).

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ.

و همانا در این قرآن برای مردم از هر نمونه‌ای آوردیم (سوره کهف، ۵۴).

و در مورد پراکندگی مطالب در آیات متعدد آیه زیر قابل توجه است:

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا.

و قرآنی که آن را جدا ساختیم تا آن را با درنگی بر مردم بخوانی و نازل کردیم آن را نازل

کردنی (سوره اسراء، ۱۰۶).

شاید سرّ این پراکندگی در نزول تدریجی قرآن باشد قرآن در طول بیست و سه سال و در مناسبت‌های مختلف نازل شده و در هر مناسبتی هر مطلبی که لازم بوده در آیات آمده است و همین امر باعث پیدا شدن مجموعه‌ای دلنشین و گوش‌نواز عقل‌پرور شده که هر قسمتی از آن به تنهایی غذای کاملی برای روح انسانی است.

اساساً همانگونه که بارها گفته‌ایم قرآن کریم مشابیه‌های عجیبی با عالم طبیعت دارد و همانگونه که در کتاب تکوینی خدا یعنی طبیعت، تنوع فوق‌العاده‌ای دیده می‌شود و مجموعه‌ای روح‌نواز از اشیاء مختلف و رنگها و طعم‌ها و پدیده‌های جوراجور در

طبیعت در کنار هم قرار داده شده (که هر چیزی به جای خویش نیکوست) در آیات و سُور قرآنی نیز همان روش حاکمیت دارد و تنوع مطالب، هر نوع ذائقه‌ای را به سوی خود می‌خواند و روح انسانی را تغذیه می‌کند.

این تنوع در بیان مطلب، کسانی را وادار کرده که برای قرآن تفسیر موضوعی بنویسند و موضوعات گوناگونی را با توجه به مجموع آیات مربوطه یکجا مورد بحث و بررسی قرار دهند.

با اینکه این روش می‌تواند از جهاتی مفید و آموزنده باشد و بخصوص برای محققین دستمایه‌ای نیرومند گردد، اما به نظر می‌رسد که تفسیر قرآن نیز مانند خود قرآن باشد مناسب‌تر است و بهتر اینست که تفسیر قرآن به ترتیب آیات و سور پیش برود و همانند خود قرآن سفره‌ای متنوع برای مراجعه کننده باشد.

نبودن اختلاف در مطالب قرآن

با وجود تنوع و گستردگی مطالب در آیات قرآنی که در بحث پیش مطرح گردید، یکی از امتیازات و حتی وجوه اعجاز قرآن، نبودن اختلاف و تناقض در میان مطالب قرآن است.

با اینکه قرآن در هر موضوعی وارد شده و اظهار نظر کرده و یک مطلب را با عبارتهای مختلف و گاهی با همان عبارت تکرار کرده، در عین حال نمی‌توان میان دو مطلب از مطالب قرآنی تناقض پیدا کرد.

یک بشر هر اندازه هم در فنی متخصص باشد وقتی کتابی را در فنی تألیف می‌کند در صورتی که فصول کتاب را در ازمنه مختلف بنویسد، متخصصان دیگری که به آن کتاب مراجعه می‌کنند اختلاف سلیقه‌های بسیاری در آن می‌بینند و حتی شاید تناقضها و تضادهائی در آن پیدا بکنند.

اگر مدت تألیف کتاب زیاد طول بکشد (مثلاً بیست سال) و کتاب نه دربارهٔ یک موضوع، بلکه در باره موضوعات متنوع بسیاری تألیف شده باشد و نویسنده آن در حالات مختلفی از غم و شادی و جوانی و پیری و بیماری و تندرستی و در بحرانهای مهمی که برای او پیش آمده آن کتاب را بنویسد، پرواضح است که بخشهای مختلف کتاب با همدیگر هماهنگ نخواهد بود و نویسنده دچار تضادها و تناقضهای بسیاری خواهد شد.

مثلاً شما شاعران بزرگ و معروف را در نظر بگیرید آیا شعرهایی که در جوانی و اوائل کار سروده‌اند، با شعرهایی که در دوران پختگی و کسب تجربه‌های فراوان سروده‌اند، یکی است؟

ولی قرآن از یک هماهنگی و استحکام و اتقان عجیبی برخوردار است و این درحالی است که همه می‌دانیم که آیات قرآنی در طول بیست و سه سال آنهم در حالتهای مختلف نازل شده بعضی از آیات در حال جنگ و شدت بحران و بعضی از آنها در حال صلح و آرامش، بعضی از آنها در اوائل کار پیامبر که دوران غربت و بی‌کسی اسلام بود، آمده و بعضی دیگر در مدینه و یا پس از فتح مکه و دوران شوکت و اقتدار اسلام نازل شده و پیامبر آن آیات را از چهل سالگی تا شصت و سه سالگی به مردم خوانده است.

با این وجود آیات مکی به همان نسبت محکم و متقن است که آیات مدنی و آیاتی که در ابتدای بعثت نازل شده به همان مقدار فصاحت و بلاغت دارد که آیات نازل شده در اواسط یا اواخر حیات پیامبر. همچنین آیاتی که به هنگام سختیها و شدائد فرود آمده به همان درجه از اعجاز است که آیات نازل شده در هنگام فراغت و آسایش.

این حقیقت را که در قرآن تناقض و اختلاف وجود ندارد، خود قرآن دلیلی بر حقانیت و اعجاز قرآن گرفته و مردم را به اندیشیدن در این مسأله فراخوانده و فرموده

است:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا.

آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ اگر قرآن از جانب غیر خداوند بود در آن اختلافات بسیاری می‌یافتند. (سوره نساء، ۸۲).

البته معلوم است که منظور از نبودن اختلاف در قرآن، نفی تناقض در میان مطالب قرآن و نبودن اختلاف و تضاد در میان موضوعات مطرح شده در آن است ولی اختلافاتی مانند اختلاف در کوتاهی و بلندی آیات و یا اختلاف قرائات و یا اختلاف در درجه فصاحت و بلاغت آیات، در قرآن وجود دارد ولی دلیل بر سستی و ضعف نیست. همچنین مسأله وجود ناسخ و منسوخ در قرآن ربطی به وجود اختلاف در آیات ندارد زیرا که آیات منسوخه دیگر از نظر معنی و محتوا به کنار گذاشته شده‌اند و مدت آنها موقتی بوده و آن مدت به سرآمده است بنابراین آیات منسوخه را نمی‌توان در مقابل آیات ناسخه قرار داد زیرا آن آیات دیگر دارای حکم معتبر نیستند و از اول آن آیات برای مدت معینی نازل شده بودند وقتی آن مدت تمام شد دیگر نباید آنها را با آیات ناسخه در عرض هم قرار داد.

و نیز آیاتی که دارای معانی عام هستند و بعضی از آیات آنها را تخصیص می‌دهند این گونه آیات نیز میان هم اختلاف و تناقض ندارند، بلکه وجود مخصص دلیل بر آن است که از اول عمومیت عام اراده نشده است.

به هر حال آنچه مسلم است این است که با وجود اینکه آیات قرآنی در مقاطع مختلف و در حالت‌های گوناگون و در طول بیست و سه سال نازل شده است، هیچگونه تضاد و تناقضی میان آیات و مطالب آن وجود ندارد و این خود یکی از نشانه‌های بارز حقایق قرآن است و به روشنی دلالت بر این می‌کند که قرآن از جانب آفریدگار جهان است.